بسم الله الرحمن الرحیم

دانشگاه مازندران

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

پایان نامهٔ مقطع کارشناسی‌ارشد در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی

موضوع :

تلمیح در مثنوی‌های نظامی

استاد راهنما :

دکتر احمد غنی‌پور ملکشاه

استاد مشاور :

دکتر مرتضی محسنی

نام دانشجو :

محسن عزیزنژاد شوبی

بهمن ماه 1388

تقدیم به روح پرفتوح پدر

دستان پر مهر و محبّت مادر

یار و یاور همیشگی همسر

و نوگلان باغ زندگی مریم و امیررضا

تقدیر و تشکر

بعد از حمد و ثنای خداوند بی نیاز بی‌انباز، سپاسگزار بزرگوارانی هستم که مشعل فروزان وجودشان، روشنی بخش و هدایت‌گر تاریکی‌های ذهن و زبانم بوده است. آقایان دکتر **احمدغنی پور ملکشاه** و دکتر **مرتضی محسنی** که قبول زحمت راهنمایی و مشاورهٔ این پایان نامه را پذیرفتند و «هزاران نکته باریک‌تر زمو» را به این حقیر گوشزد کردند.

همچنین از استادان ارزشمند و گرانقدر، آقایان دکتر **باقری خلیلی، پیروز، حسن پور، حق جو، روحانی، ستّاری و خانم دکتر رضوانیان**که در طول سه‌سال در محضرشان شاگردی کردم و وجود تک تک این عزیزان مایهٔ آرامش خاطر همگان بوده و هست ، بی نهایت سپاسگزارم.

محسن عزیزنژاد شوبی

چکیده

استفاده از صناعات ادبی از اساسی‌ترین ابزارهای شاعران برای بیان مقصود است و یکی از مهمترین صنایع ادبی، تلمیح است. شاعر با استفاده از تلمیح و اکتفا کردن به یکی دو واژه که نشانهٔ وسعت اطلاّعات و غنای فرهنگی خود اوست به خلق مضامین دست می زند و تداعی معانی ایجاد می‌کند و بر لطف و عمق شعر خویش می‌افزاید.

نظامی گنجه‌ای در «خمسه یا پنج گنج» خود به مناسبت‌های گوناگون با آرایهٔ تلمیح کلام خود را مزّین کرده و آن را همچون زیوری بر پیکر شعر زیبای خود بسته است. در این پژوهش انواع تلمیحات از خلال مثنوی‌های وی استخراج گردید و پس از آن بنابر تنوّع مضامین به پنج بخش تقسیم شد. در بخش اوّل ابیاتی که به آیات قرآن تلمیح دارد، آورده شد که حجم زیادی از این پایان نامه را به خود اختصاص داده است؛ در بخش دوّم تلمیح به احادیث قدسی و نبوی بیان گردید، در بخش سوّم تلمیحات اسطوره‌ای، در بخش چهارم تلمیحات اعتقادی و باورهای مذهبی و در بخش پنجم تلمیحات تاریخی مورد بررسی قرار گرفت.

همچنین نگارنده با ارائهٔ نمودار، میزان استفاده از آرایهٔ تلمیح را در مضامین پنج‌گانه نشان داده، نیز میزان کاربرد این آرایه را در هر یک از مثنوی‌های نظامی به تفکیک آورده است.

کلیدواژه: تلمیح، نظامی، پنج گنج، اسطوره، آیات و احادیث.

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

چکیده

فصل اول: مقدّمه

1-1. تعریف مسأله.....16

2-1.تلمیح در شعر نظامی 18

3-1. پژوهش های علمی انجام شده در ارتباط با پایان نامه..... 19

4-1. سؤالات پژوهش.....19

5-1. حدود پژوهش 19

6-1. اهداف این پژوهش 19

7-1. روش پژوهش 19

فصل دوم: کلّیّات

1-2. تلمیح 22

فصل سوم: نگاهی کوتاه به زندگی و شعر نظامی گنجه ای

1-3. زندگی نظامی 27

2-3.نگرشی بر پنج گنج نظامی 29

1-2-3. مخزن الاسرار 29

2-2-3. خسرو و شیرین.....30

3-2-3. لیلی و مجنون 30

4-2-3. هفت پیکر.....30

5-2-3. اسکندر نامه.....31

3-3 سبک شعر نظامی.....31

4-3. دیدگاه ها دربارۀ نظامی.....32

فصل چهارم:تلمیح در مثنوی‌های نظامی گنجه‌ای

درآمد.....37

1-4.تلمیحات قرآنی 38

1-1-4. اصحاب کهف.....38

2-1-4. اصحاب فیل.....38

3-1-4.افلاک و کواکب 39

4-1-3-1. آفرینش افلاک و کواکب 39
4-1-3-2. نابودی افلاک و کواکب 40
4-1-4. انسان 41
4-1-4-1. انسان و امانت الهی 41
4-1-4-2. انسان خاکی نهاد 41
4-1-4-3. انسان و احسن تقویم 42
4-1-4-4.خلقت انسان از آب 43
4-1-4-5. رنج انسان 44
4 4 -1-4-6. طاقت انسان ..... 44.
4-1-4-7. سایر موارد آیات در ارتباط با انسان 45
4-1-4-7-1.اشک انسان 45
4-1-4-7-2. انسان عابد 45
4-1-4-7-3. ترازوی مطفّفین 45
4-1-4-7-4. زمین جایگاه انسان 45
4-1-5. بازگشت نیکی به نیکوکار 46
4-1-6. پرهیز از عیبجویی 46
4-1-7. توالی شب و روز 47
4-1-8. خداوند 48
4-1-8-1. ازلی و ابدی بودن خدا 48
4-1-8-2. بی انبازی خدا 49
4-1-8-3. بی مانندی خدا 49
4-1-8-4. بی نیازی خدا 49
4-1-8-5. پادشاهی خدا 50
4-1-8-6. تسبیح خدا 50
4-1-8-7. ثالث ثلاثه و خدا 50
4-1-8-8. خلّاقیّت خدا 51
4-1-8-9. رجعت به سوی خدا 51
4-1-8-10. رزّاقیّت خدا 52
4-1-8-11. روح خدا 52

4-1-8-12. صبوح خدا 53
4-1-8-13. عالم الغیب 53
4-1-8-14. شکستن عهد خدا 53
4-1-8-15. دعا به درگاه خدا 54
4-1-8-16. کن فیکون خداوندی 54
4-1-8-17.مشیّت خدا 55
4-1-8-18. سایر موارد در ارتباط با خدا 56
4-1-9. پیامبران 57
4-1-9-1. آدم (ع) 57
4-1-9-1-1. توبهٔ آدم(ع) 57
4-1-9-1-2. خلافت آدم(ع) 58
4-1-9-1-3. سجدهٔ فرشتگان بر آدم 58
4-1-9-1-4. عصیان آدم 59
4-1-9-1-5. خوردن میوهٔ ممنوعه 59
4-1-9-2. ابراهیم 60
4-1-9-2-1. ابراهیم بت شکن 60
4-1-9-2-2. آتش ابراهیم 60
4-1-9-2-3. هذا ربّی گفتن ابراهیم 61
4-1-9-2-4. صحف ابراهیم 62
4-1-9-3. اسماعیل 62
4-1-9-3-1.ذبیح الله 62
4-1-9-3-2. صادق الوعد 63
4-1-9-4. داوود (ع) 63
4-1-9-4-1. داوود (ع) خلیفهٔ خدا 63
4-1-9-4-2. زبور داوود (ع) 63
4-1-9-4-3 .درع داوود 63
4-1-9-5. ذالقرنین و سدیأجوج 64
4-1-9-6. سلیمان (ع) 65
4-1-9-6-1. انگشتری سلیمان(ع) 65

4-1-9-6-2. سلیمان (ع) و بلقیس 66
4-1-9-6-3. تخت وملک سلیمان (ع) 67
4-1-9-6-4. سلیمان(ع)، پریان و دیوان 68
4-1-9-6-5. سلیمان(ع) و فرمان راندن برباد 68
4-1-9-6-6. سلیمان (ع) و مرغان.....69
4-1-9-6-7. سلیمان (ع) و مور.....70
4-1-9-7. صالح و ناقه 71
4-1-9-8. عیسی (ع).....71
4-1-9-8-1. عیسی(ع) و آدم.....71
4-1-9-8-2. خوان عیسی(ع).....71
4-1-9-8-3. عیسی(ع) و دار 72
4-1-9-8-4. عیسی(ع) و زنده کردن مردگان.....72
4-1-9-8-5. عیسی(ع) و عروج به آسمان.....73
4-1-9-8-6. عیسی(ع) و یهود.....74
4-1-9-8-7. تهمت عیسی(ع).....74
4-1-9-8-8. نطق عیسی(ع) 75
4-1-9-8-9. بشارت عیسی (ع) 75
4 -1-9-8-10. روزۀ مریم.....75
4 -1-9-8-11.درخت مریم 76
4 -1-9-8-12.عصمت مریم 76
4-1-9-9. محمّد (ص).....77
4-1-9-9-1. اُمّی بودن محمّد (ص) 78
4-1-9-9-2. محمّد (ص) و ابوطالب 78
4-1-9-9-3. محمّد (ص) خاتم پیامبران.....79
4-1-9-9-4. محمّد (ص) پیامبر رحمت.....80
4-1-9-9-5. محمّد (ص) سراج منیر.....80
4-1-9-9-6 . محمّد (ص) و دشمنی ابولهب 81
4-1-9-9-7. محمّد (ص) و سدره المنتهی 82
4-1-9-9-8. محمّد (ص) و قاب قوسین.....82

4-1-9-9-9. محمّد (ص) و مازاغ 83
4-1-9-9-10.معراج محمّد (ص) 84
4-1-9-9-11. یتیمی محمّد (ص)..... 85
4-1-9-10. موسی (ع)..... 85
4-1-9-10-1. عصای موسی (ع)..... 85
4-1-9-10-2.موسی (ع) و گوسالهٔ سامری 86
4-1-9-10-3. موسی (ع) و همراهی خضر 87
4-1-9-10-4. موسی (ع) و یوشع 87
4-1-9-10-5. مناجات موسی (ع) و تجلّی خدا بر کوه طور..... 88
4-1-9-10-6. موسی (ع) و یدبیضا..... 89
4-1-9-10-7. قارون 89
4 -1-9-10- 8 .گنج قارون 90
4-1-9-10-9. فرو رفتن گنج قارون در خاک 90
4-1-9-11. نوح (ع)..... 91
4-1-9-11-1. انکار اصحاب نوح پیامبری وی را 92
4-1-9-11-2. نفرین نوح (ع)..... 92
4-1-9-11-3. طوفان نوح و تنور پیرزن 92
4-1-9-11-4. کشتی نوح و کوه جودی 93
4-1-9-12. یوسف(ع) 93
4-1-9-12-1. پیراهن یوسف(ع) 93
4-1-9-12-2. خواب یوسف(ع) 94
4 4 -1-9-12-3. زندان یوسف(ع)..... 95
4-1-9-12-4. فراق یوسف(ع) ونابینایی یعقوب 95
4-1-9-12-5. یوسف(ع)، زلیخا و سرزنش زنان مصری..... 96
4-1-9-12-6. یوسف(ع) در چاه 97
4-1-9-12-7. یوسف(ع) و گرگ 98
4-1-9-13. یونس و ماهی 98
4-1-10.خیر و شرّ امور 100
4-1-11. جایگاه قلم 101

4-1-12. رزق و روزی مقدّر 101
4-1-13.زبردستی مردان 102
4-1-1. عبث نبودن آفرینش 102
4-1-15. شکر نعمت و فزونی آن 103
4-1-16. شیطان 104
4-1-16-1. رجم شیطان 104
4-1-16-2. نافرمانی شیطان (ابلیس) 104
4-1-17. فرج بعد از شدّت 106
4-1-19. مرگ حتمی است 106
4-1-21. هاروت و ماروت 107
4-1-22. یار غار 108
4-1-23. سایر موارد تلمیح به آیات 109
4-1-23-1. معقد صدق 109
4-1-23-2. نماز 109
4-1-23-3. واقعهٔ قیامت 109
4-1-23-4. هل من مزید 110
4-1-23-5. انفاق 110
4-1-23-6. شجرهٔ طیّبه 110
درآمد 111
4-2. تلمیحات احادیث 112
4-2-1. انسان عالم صغیر 112
4-2-2. خداوند 112
4-2-2-1. تغییر ناپذیری تقدیر الهی 112
4-2-2-2. خودشناسی و خداشناسی 113
4-2-2-3. خدای اوّل و آخر 114
4-2-2-4. عجز بشر از شناخت خدا 114
4-2-3. چاه کن و چاه 115
4-2-4.چلّه نشینی 116
4-2-5. خواب برادر مرگ 116

4-2-6. صبر 116
4-2-7. دنیا مزرعهٔ آخرت 117
4-2-8. سودرسانی ملاک ارزش 117
4-2-9. شکسته دلان 118
4-2-10. گنج قناعت 118
4-2-11. محمّد (ص) 119
4-2-11-1. محمّد (ص) و تاج لولاک 119
4-2-11-2. جایگاه خاص پیامبر 120
4-2-11-3. محمّد(ص) و خلوت خدا 121
4-2-11-4. محمّد(ص) و نخست آفریده 121
4-2-11-5. محمّد(ص) و رؤیت خدا 122
4-2-11-6. محمّد(ص) شفیع امّت 122
4-2-11-7. فقر محمّد(ص) 123
4-2-12. مرگ اختیاری 124
4-2-13. نکوهش دنیا 124
4-2-14. سایر موارد حدیث 125
4-2-14-1.حد اعتدال 125
4-2-14-2. جوینده یابنده 126
4-2-14-3. حدیث تفرقه 126
4-2-14-4. جوانی دیوانگی است 126
4-2-14-5. سحر بیان 126
4-2-14-6. حصار تهلیل 127
4-2-14-7. هیبت عمر 127
4-2-14-8 سلطان سایهٔ خدا 127
درآمد 128
تلمیحات اعتقادی و باورهای مذهبی 129
4-4-1. هبوط آدم(ع) در سراندیب 129
4-4-2. اسکندر 129
4-4-2- 1. آیینه اسکندری 129

4-4-2- 2. اسکندر و آب حیات 129
4-4-2- 3 اسکندرو خضر 130
4-4-3. حلّاج 131
4-4-4. خضر 131
4-4-4-1. خضرو آب حیات 131
4-4-5. دجّال 132
4-4-6. سلیمان(ع) و زنبیل بافی 133
4-4-7. عیسی (ع) 133
4-4-7-1. عیسی(ع) و رنگرزی 133
4-4-7-2. عیسی (ع) و خر او 134
4-4-8. محمّد(ص) 135
4-4-8-1. محمّد(ص) وزهر بزغاله 135
4-4-8-2. شکستن دندان محمد (ص) 135
4-4-8-3. شقّ القمر محمّد(ص) 135
4-4-8-4. گواهی سنگ ریزه بر رسالت محمّد(ص) 136
4-4-8-5. سایه نداشتن محمّد(ص) 136
4-4-9. مهدی(عج) 137
4-4-10. حسن یوسف (ع) 138
4-4-11. نغمهٔ داوود(ع) 138
4-4-12. نمرود و پشه 139
4-4-13. رابعه عدویه 140
درآمد 141
4-3. تلمیحات اسطوره ای 142
4-3-1. آرش 142
4-3-2. اسفندیار 142
4-3-3. بهمن 144
4-3-4- بیژن 145
4-3-5. جمشید 145
4-3-5-1. جام جمشید 146

4-3-5-2. جمشید و ضحّاک 147
4-3-5-3. جمشید و مهرپرستی 147
4-3-6. سیاوش 148
4-3-7. سیمرغ 149
4-3-8 . ضحّاک 150
4-3-9 . فریدون 151
4-3-9-1 فریدون طفل گاو پرورد 152
4-3-9- 2. فریدون و درفش کاویان 152
4-3-9-3. فریدون و ضحّاک 152
4-3-10. کیخسرو 153
درآمد 155
4-5. تلمیحات تاریخی 156
4-5-1. بهرام گور 156
4-5-2. مانی 157
4-5-3. محمود غزنوی 158
4-5-3-1. محمود و ایاز 158
4-5-3-2.محمود و فردوسی 159
4-5-3-3. محمود و مرتاضان هندی 159
4-5-4. مقنّع و ماه نخشب 159
4-5-5. ویس 160
نمودار(1) 162
نمودار(2) 163

فصل پنجم:

نتیجه گیری 165

منابع و مآخذ 170
چکیدهٔ انگلیسی 176

1-1. تعریف مسأله : یکی از آرایه‌های پرکاربرد در شعر و نثر فارسی تلمیح است که شاعران و نویسندگان برای زیبایی و تأثیرگذاری‌کلام خود از آن استفاده می‌کنند. کمتر شاعری را در ادب فارسی می‌توان یافت که از این آرایه در سخن خود بهره نگرفته باشد.

از تلمیح تعاریف متعددی به دست داده اند که در زیر به چند مورد اشاره می شود:

«تلمیح آن است که الفاظ اندک بر معانی بسیار دلالت کند و لمح جستن برق باشد و لمحه یک نظر بود و چون شاعر چنان سازد که الفاظ اندک او بر معانی بسیار دلالت کند، آن را تلمیح خوانند. » (رازی، 1373: 325)

در کتاب فنون و صناعات ادبی آمده: « تلمیح در لغت یعنی به گوشۀچشم اشاره کردن و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستان، مثل یا آیه و حدیث معروفی اشاره کند.» (همایی، 1370: 328)

در فرهنگ اصطلاحات ادبی دربارۀ تلمیح این‌گونه آمده: «تلمیح در لغت به معنی به گوشۀ چشم اشاره کردن، نگاه کردن و نظر کردن است و در اصطلاح بدیع از جمله آرایه های درونی است که به موجب آن در خلال سخن به آیه ای شریف و حدیثی معروف یا داستانی و واقعه یا مثل و شعری مشهور، چنان اشاره شود که کلام با الفاظی اندک بر معانی بسیار دلالت کند. » (داد، 1382: 163)

بدون شک استفاده از تلمیح مختصّ زبان و ادب فارسی نیست اما استفاده از شگردهای گوناگون تلمیح‌آفرینی و فراوانی کاربرد آن امتیازی برای ادب فارسی است که نظیر آن را در زبان و ادب دیگر ملل جهان نمی بینیم. در نتیجه باید اذعان کرد « جمع شدن همۀانواع تلمیحات و وفور آن ها در شعر فارسی امتیازی است که در اشعار سایر ملل نیست.» (شمیسا،1371 :25)

نکتۀ قابل ذکری که در تعریف تلمیح جلب نظر می‌کند و تقریباً در تمامی تعاریفی که از تلمیح ارائه شده، دیده می‌شود وجود واژۀ «اشاره» است. پس تلمیح را اشاره‌ای کوتاه و گذرا به داستانی یا آیه و حدیث یا مثل معروف می‌دانند که این اشارۀ کوتاه یادآور کل آن داستان یا آیه و حدیث یا مثل معروف باشد « به طور کلّی معنای اشاره از تلمیح دور نیست چنان که در تعریف تلمیح می نویسند: تلمیح اشاره ای است به ...» (شمیسا، 1377:9)

در کتاب فرهنگ تلمیحات آمده: «تلمیح را اشاره به داستان یا شعر یا مثل گفته انـد و آن هـم در نظم و هم در نثر است، » (شمیسا، 1371:7) و شاید بتوان دامنه و حوزهٔ تلمیح را گسترده‌تر دانست چنان که یکی از صاحب نظران معتقد است هر اشاره ای را که ندانستن آن سبب در پرده مانـدن مفهـوم شـود، تلمیح به حساب آورند. (محمدی، 1374:9)

همچنین سیروس شمیسا معتقد است « شاید بتوان معنای تلمیح را گسترش داد اشاره به فرهنگ عامّه و عقاید و آداب و رسوم وعلوم قدیم را نیز جزو تلمیح محسوب داشت.» (شمیسا، 1377:7)

استفاده از آرایهٔ تلمیح به دورهٔخاصی مربوط نمی‌شود و باید گفت: هیچ دوره ای از ادوار ادبی ما از تلمیح خالی نبوده و شاعران هر دوره کم و بیش از آن بهره‌گرفته‌اند امـا میـزان بهـره‌منـدی شـاعران از تلمیح در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است. بدیهی است که همهٔشاعران در بهره‌گیـری از آرایـهٔتلمیح یکسان عمل نکرده اند بلکه قدرت برخی شاعران در تلمیح‌آفرینی از دیگران بیشتر است.

گاهی مشاهده می‌شود که دو شاعر از یک موضوع تلمیحی واحدی استفاده می‌کننـد امّـا قـدرت تأثیرگذاری یکی از دیگری بیشتر است زیرا «برخـی از شـاعران از تلمیحـات بـه صـورت خـام اسـتفاده می‌کنند و حال آن که برخی از شاعران استاد، در استفاده از تلمیح، تمام ملزومات را در نظر مـی‌گیرنـد و گاه در هر ملزومی نیر رعایت ایهام می کنند.» (شمیسا،1371: 40) پـس بایـد گفـت: « اسـتفاده از تلمـیح نشانهٔ وسعت اطلاعات و غنای فرهنگی شاعر است و بر لطف و عمق شعری مـی افزایـد.» (میرصـادقی، 1373 : 83)

در تلمیح شاعر با استفاده از یک کلمه می‌تواند تمام مقصود خود را از داسـتان، آیـه، حـدیث یـا مثل معروف مورد نظرش بیان کند زیرا آن کلمه در حکم چکیـده و عـصارهٔآن موضـوع تلمیحـی اسـت. «تلمیحات که در حقیقت از نظر منشأ و اصل، ماهیّت داستانی و نثری دارند در شـعر آن خاصـیّت را بـه کلی از دست می‌دهند یعنی با خلاصه شدن، خاصیّت شعری می یابند.» (شمیسا، 1371 : 46) و «بهتـرین تلمیحات آن است که ذهن شاعر و نویسنده تنها تأثّری از آیه یا حدیث پذیرفته باشد نه این که آن آیـات یا احادیث را عیناً از تازی به پارسی درآورد و نام تلمیح بر آن بنهد.» (حلبی، 1372 : 48)

«تلمیحات ادبیات فارسی به یک اعتبار مجموعهٔ بسته‌ای است و عناصـر مهـم داسـتانی در طـول زمانی تغییر چندانی نکرده‌اند زیرا در ساخت داستان‌ها تصرّف نشده و در نتیجه همسازه‌ها معمولاً بـدون تغییر باقی مانده‌اند. اما همین دستگاه بسته به حیطهٔ زبان زایا می‌شـود.» (شمیـسا، 1371 : 47) یعنـی هـر

شاعری بسته به توانایی و قدرت خلّاقیّت ذهنی خود تصاویری بکر و بدیع از یک موضوع تلمیحی ارائه می‌کند و از زاویه‌ای دیگر به آن می‌نگرد و ترکیبات تلمیحی جدیدی را وارد زبان می‌کند. البته «نظامی در حوادث داستان بیش و کم تصرّف می‌کرده است و بر آن هر جا که لازم بوده است شاخ و برگ می‌افزوده است و در حقیقت از جهت رعایت مناسبات تا اندازه ای به شیوهٔ درام نویسان یونان نزدیک بوده است.» (زرین کوب، 1343 : 177)

2-1 تلمیح در شعر نظامی: از آن‌جا که نظامی‌گنجه‌ای یکی از استادان مسلّم شعر و ادب فارسی به شمار می‌آید، در استفاده کردن از تلمیح در آثار خود یکی از سرآمدان عرصهٔشعر و نثر فارسی است. این نیروی آفرینندگی او «البتّه به عوامل متعدّدی بستگی دارد، یکی از عوامل مهم این است که شاعر با کتب تاریخ و تفسیر مأنوس باشد، به طوری که خزانهٔ ذهن او به طور ناخودآگاه از تلمیحات انباشته شده باشد. به عبارت دیگر بار فرهنگی ذهن او کلان باشد.» (شمیسا،1371 : 39)

داستان سرایی هنر نظامی است او در داستان سرایی هنرمندی قابل و چیره دست است به طوری که در این زمینهٔخاص، بی‌رقیب است و این «هنر و لیاقت اوست و نشان می‌دهد که در همهٔ قرن‌های بعد در بین تمام نسل‌هایی که بعد از وی آمده اند نظامی سرمشق و استاد داستان سرایی به شمار می‌آمده است.»(زرین کوب، 1343 : 167)

نظامی گنجه‌ای یک شاعر مقلّد نیست بلکه مبتکر است و ابتکار او را در شیوهٔ شاعری و داستان پردازی و به‌کارگیری مضمون‌های بکر و بدیع به خوبی می‌توان مشاهده‌کرد و این مهم ساخته و پرداختهٔ ذهن وقّاد اوست. «نظامی شاعری مبتکر است، عاریت‌کس نپذیرفته و داستان‌های منظوم دیگران را نشخوار نکرده بلکه داستان‌هایی را پرداخته است که پیش از او کسی نسروده است و در ضمن به قدرت سخن و روانی طبع و تأثیر کلام خویش نیک واقف بوده است.» (حلبی، 1372 : 145)

عاریت کس نپذیرفته ام　　آن چه دلم گفت بگو گفته ام.

شعبدهٔ تازه برانگیختم　　هیکلی از قالب نو ریختم. (مخزن الاسرار: 19)[1]

[1] - کلیات نظامی گنجه‌ای ، تصحیح حسن وحید دستگردی ، چاپ زوار ، دو جلدی ، تهران ، 1386

از طرفی نظامی را شاعری معتقد و سخنوری ماهر می‌بینیم که «ایمان به خدا و اعتقاد به مبانی دینی سبب شده است که مفاهیم و معانی برخی آیات قرآن‌کریم در آثارش متجلّی شده و به سخنانش زندگی جاوید بخشید.» (حلبی، 1372 :147)

در مخزن الاسرار می‌سراید:

هستی تو صورت پیوند نی تو به کس و کس به تو مانند نی.

که تلمیح به آیهٔ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ دارد. (سوره شوری / آیهٔ11)

هر چقدر ذهن شاعر با کتب تاریخ، داستان و قصه و آیات و احادیث بیشتر مأنوس بوده باشد و اطّلاعات بیشتری در ذهن او انباشته باشد، میزان به‌کارگیری تلمیح نیز فراوان‌تر خواهد بود. و اگر اندازهٔ دانسته‌ها گسترده‌تر باشد،امکان استفاده از تلمیحات پیچیده‌تری نیز وجود دارد.

بدین سبب زمانی که خوانندگان با آثاری روبرو می‌شوند که با تلمیح سرشته شده اند، باید اطّلاعات کافی در این زمینه داشته باشند تا با درک مفهوم شعر به آن لذّت ادبی حاصل از آن دریافت، دست یابند.

باید گفت به ندرت مردانی برانگیخته می‌شوند که چراغ راه دیگرانند و از آنجا که نظامی از آن معدود شاعرانی است که چون چراغی فرا راه آیندگان قرارگرفته است و با توجّه به جایگاه بلند نظامی در شعر و ادب فارسی و اهمّیت آرایهٔ تلمیح که ندانستن آن، فهم درست را برای خواننده دشوار می‌سازد و سبب می‌شود که خواننده به آن لذّت ادبی مورد نظر شاعر دست نیابد، این پژوهش سعی دارد انواع تلمیح را در مثنوی‌های نظامی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

1-3پژوهش‌های‌علمی‌انجام شده در ارتباط با پایان نامه(به طور مختصر) : در زمینهٔ تلمیح پژوهش‌هایی انجام گرفته‌است اما هیچ کتاب و مقاله‌ای به طور مستقل به موضوع مورد بحث این پایان نامه نپرداخته است کتاب ها و مقالاتی که در ارتباط با موضوع تلمیح به چاپ رسیده اند در زیر به آنها اشاره می شود :

1- کتاب فرهنگ تلمیحات از سیروس شمیسا که به صورت فرهنگ در زمینهٔ تلمیح به چاپ رسیده است ، از آن‌جا که در این کتاب، آرایهٔ تلمیح و نمونه‌های آن در اشعار شاعران ادوار مختلف آمده است،

با توجّه به حجم و گسترش کار، تنها مقداری از تلمیحات مثنوی‌های نظـامی را آورده اسـت و بـه طـور دقیق و تخصّصی به موضوع تلمیح نپرداخته است.

2- اثر دیگری که در ارتباط با موضوع تلمیح به چاپ رسیده، کتاب فرهنگ تلمیحات شعر معاصر نوشتهٔ محمدحسین محمدی است. نویسنده در این کتاب به صورت اجمالی و کلی بـه معنـای تلمـیح اشـاره‌ای کرده و سپس به تلمیحات شعر نو در آثار شاعران بزرگ نوپرداز معاصر پرداخته است.

3- مقاله‌ای تحت عنوان انعکاس معراج نبی در شعر نظامی از مـریم غفـاری جاهـد در ماهنامـهٔحافظ بـه چاپ رسیده که تنها به موضوع معراج حضرت رسول اکرم (ص) و کیفیّت و حالات آن حضرت پرداخته است.

4- مقالهٔ دیگری با نام ماه مهد چرخ از یدالله نصرالهی در مجموعه مقالات دربارهٔ پیامبر اعظـم بـه چـاپ رسیده که این مقاله نیز موضوع معراج حضرت ختمی مرتبت و توصیف آن را در مثنوی‌های نظامی مورد بررسی قرار داده است.

4-1 سؤالات پژوهش:

1- کاربرد آرایهٔ تلمیح در کدام یک از مثنوی‌های نظامی برجسته‌تر است؟

2- تلمیحات نظامی بیشتر بر اساس توجّه به آیات و احادیث است یا داستان‌ها و مثل‌ها؟

3- رابطهٔ تلمیحات و نگرش دینی و فکری نظامی چگونه است؟

5-1 حدود پژوهش: مثنـوی هـای مخـزن الاسـرار، خـسرو و شـیرین، لیلـی و مجنـون، هفـت پیکـر و اسکندرنامه نظامی‌گنجه‌ای با توجه به موضوع تلمیح.

6-1 اهداف این پژوهش: نشان دادن میزان استفاده از تلمیح و تعیـین ایـن کـه تلمـیح در کـدام یـک از مثنوی‌های نظامی بیشتر مورد توجّه قرارگرفته است.

7-1 روش پژوهش: روش و شیوهٔ پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل‌محتواست و اطّلاعات و داده هـای آن به شیوهٔ کتابخانه‌ای جمع‌آوری می‌گردد.

ɋ ƿ ɣǩ dž ə

كلّيّات